

ذره بین

بایان زندگی مخفیانه مرد اخراجی در طبقه پنجم

شهروند | مرد اخراجی که به صورت مخفیانه در آپارتمان مرد ۷۰ساله جا خوش کرده بود، یک شبیه او را به دنیای جنایتکاران کشاند. کثر روی مواد غذایی از خانه پیرمرد به زندگی مخفیانه جوان ۲۸ساله پایان داد.

ساعت ۲۲اول اردیبهشتماه یک درگیری در خیابان ولیعصر - کوچه فرشید، به کلانتری ۱۰۵ سننایی اعلام شد- با حضور مأموران کلانتری در محل جوانی ۲۸ ساله را دیدند که لباسش خونی بود و یک چاقوی آغشته به خون در دست داشت. وقتی این پسر دستگیر شد مأموران کلانتری به طبقه چهارم مجتمع مسکونی رفتند و با جسد پیرمردی ۷۰ساله به نام ابراهیم روبه‌رو شدند که با ضربه‌های چاقو به ناحیه گردن و پهلو، به قتل رسیده بود. تحقیق از خانواده قربانی کلید خورد و خواهر مقتول که در طبقه سوم ساختمان محل وقوع جنایت زندگی می‌کند، در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «باشنیدن صدای درگیری از طبقه چهارم بلافاصله با پسرم تماس گرفتم و از او خواستم تا خودش را به خانه برساند و پس از آن بی‌درنگ با پلیس تماس گرفتم.» خواهرزاده مقتول نیز که با «محمد» درگیر و مانع از فرار وی شده بود نیز در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «مانیکه‌مادرم من در آپارتمان گرفت و موضوع درگیری در داخل ساختمان را اطلاع داد، به سرعت خود را به آن‌جا رساندم، داخل ساختمان تنها من و مادرم در طبقه سوم و دایم در طبقه چهارم زندگی می‌کنیم و طبقه اول و دوم خالی از سکنه است. وقتی نزدیک مجتمع شدم، ناگهان جوانی بالباس آغشته به خون قصد فرار از داخل ساختمان را داشت که با او درگیر شدم؛ او چاقویی را از زیر لباس خود خارج و حتی چند ضربه به سمت من زد و پر تاب کرد و در ادامه قصد فرار به سمت بلوار کشاورز را داشت که مأموران او را دستگیر کردند.»

محمد ۲۸ساله پیش روی تیم تحقیق نشست و خود را بی‌گناه دانست. ادعای می کرد که یکی از دوستانش به نام اشکان پیرمرد را به قتل رسانده است. «محمد» به کارآگاهان گفت: «همراه یکی از دوستانم به نام اشکان به محل حادثه آمدم؛ اشکان برای مقتول موادمخدر از نوع تریاک آورده بود که ناگهان با مقتول درگیر شد و او را با چاقو زد؛ من نیز از ترس قصد فرار داشتیم که در پایین ساختمان دستگیر شدم اما اشکان موفق به فرار از محل شد.» با آغاز تحقیقات از خواهر و خواهرزاده مقتول، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند که وی هیچ‌گونه اعتیادی به هیچ‌کدام از انواع موادمخدر نداشته است؛ بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته خارج ساختمان و چند مرکز خرید در محدوده وقوع جنایت نیز نشان داد که بر خلاف ادعای متهم هیچ‌گونه تصویری از اشکان در دوربین‌های مداربسته ضبط نشده است . کارآگاهان محل زندگی اشکان را هم در منطقه سعادت آباد شناسایی کردند اما او در بازجویی‌ها منکر هر گونه اطلاع از وقوع جنایت شد. اشکان در اظهارات خود عنوان داشت: «محمد یکی از دوستان قدیمی‌ام است اما بیش از ۱۰سال است که از وی هیچ‌گونه اطلاعی ندارم.» محمد وقتی با دوست قدیمی‌اش در مقر پلیس روبه‌رو شد به کذب بودن تمامی اظهارات خود اعتراف و ادعا کرد که قتل را به تنهایی انجام داده است. «محمد» که دارای دو سابقه دستگیری به اتهام سرقت است، در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: «۵سال پیش از همسرم جدا شدم در این مدت هیچ اطلاعی از سرنوشت وی و فرزندم ندارم؛ از حدود سه ماه پیش، شب‌ها در خوابگاه روبه‌روی محل وقوع جنایت زندگی می‌کردم تا این که مدیر خوابگاه متوجه سرقت وسایل شخصی سایر افراد داخل خوابگاه توسط من شد و به همین دلیل مرا از خوابگاه اخراج کرد؛ در این مدت که به هیچ‌گونه اطلاعی رفت‌وآمد داشتیم، اطلاع پیدا کرده بودم که چند واحد مسکونی در مجتمع روبه‌روی خوابگاه خالی از سکنه است و در سایر واحدها نیز تنها یک پیرمرد در طبقه چهارم و یک پیرزن با پسرش در طبقه سوم زندگی می‌کنند و طبقه پنجم ساختمان نیز خالی از سکنه است. پس از اخراج از خوابگاه، به بهانه مأمور اداره گاز وارد ساختمان شدم و مخفیانه خود را به طبقه پنجم ساختمان رساندم و آن‌جا را برای استراحت و زندگی انتخاب کردم؛ دو شب در طبقه پنجم ساختمان به صورت مخفیانه زندگی کردم و در این مدت برخی از وسایل استراحت خود را از طبقه چهارم محل زندگی مقتول تهیه می‌کردم.»

متهم درباره زمان وقوع جنایت نیز به کارآگاهان گفت: «شب حادثه، برای برداشتن مواد غذایی داخل خانه مقتول شدم که در زمان خروج، مقابل در آپارتمان با مقتول چهره‌به‌چهره شدم؛ مقتول شروع به سر و صدا کرد و با چسبیدن به من، مانع از فرارم از داخل ساختمان شد؛ من نیز با چاقویی که داشتم، چندین ضربه به ناحیه گردن و پهلو ی پیرمرد زدم و مانیکه پیرمرد روی زمین افتاد، به پایین ساختمان آمدم و هنگام خروج از ساختمان دوباره با یک جوان درگیر شدم.



شهروند | تکنسین اتاق عمل بیمارستان سجاد (ع) مرگ مرموزی داشت. تیم تحقیق به دنبال علت اصلی مرگ این پرستار زن هستند. قاضی پرونده بارد فرضیه جنایت، پرونده پرستار را به پزشکی قانونی ارجاع داده است تا علت مرگ وی مشخص شود. خودکشی یا سنگ کوب ۲ فرضیه‌ای است که پیش روی باز پرس دادرسی جنایی قرار دارد.

ساعت ۱۹ روز هفتم اردیبهشت ۹۴، گزارش یک مرگ مشکوک در بیمارستان سجاد (ع) تهران به کلانتری ۱۲۵ یوسف‌آباد اعلام شد. پس از حضور مأموران در محل مشخص شد که جسد یکی از کارکنان زن بیمارستان که تکنسین اتاق عمل

بوده، در داخل سرویس بهداشتی رختکن پرسنل بانوان در طبقه پنجم کشف شده است. این موضوع بلافاصله به اداره دهم پلیس آگاهی اعلام شد و قاضی حسین پور نیز در محل حادثه، حاضر شد. بررسی‌های تیم تحقیق نشان می‌داد غیبت این پرستار در اتاق عمل طولانی شده بود به همین علت همکارانش به دنبال وی گشتند. وقتی در هیچ جای بیمارستان نتوانستند او را پیدا کنند، یکی از پرسنل بیمارستان، جسدی را پشت در سرویس بهداشتی پیدا کرد. او که بی‌جان بود به اتاق عمل منتقل شد اما مادر آن‌جا مشخص شد که مدتی از مرگش گذشته است.

در بررسی‌های اولیه یک عدد سرنگ در کنار جسد نیز کشف

شده که فرضیه خودکشی را تقویت می‌کند اما این درحالی است که همسر این پرستار به باز پرس پرونده گفت: «چند وقت پیش بسته‌های گچ شبیه مرفین در کیف همسرم پیدا کردم. همین موضوع باعث اختلاف و درگیری بین ما شد چون تصور کردم همسر اعتیاد پیدا کرده است.» حسین پور، پرونده این زن برای مشخص شدن علت مرگ وی به پزشکی قانونی فرستاده شود. این درحالی است که تا اعلام نتیجه پزشکی قانونی در رابطه با علت اصلی مرگ این پرستار نمی‌توان نظری قطعی مبنی بر خودکشی یا سنگ کوب او داد.

ابهام در مرگ تکنسین اتاق عمل بیمارستان سجاد(ع)



با اهدای اعضای بدن یک زن ۳۱ساله صورت گرفت

مادر مهربان بعد از مرگ هم زنده ماند



در آنجابه ما اعلام شد که اکرم دیگر به زندگی بازمی‌گردد و چه بهتر که با اهدای اعضای بدنش به چند بیمار زندگی تازه ببخیشیم. نمی‌دانستیم باید چکار کنیم. از دکتر فرصت خواستیم و با هم مشورت کردیم. به‌هر حال تصمیم خیلی سختی بود نمی‌شد همان لحظه جواب داد.»

خواب‌سمر نوشت‌ساز

این مرد می‌گوید: «در کش‌وفوس تصمیم‌گیری برای اهدای اعضای بدن اکرم بودیم که زن برادرم خوابی را ابراریمان تعریف کرد که خیلی روی تصمیم‌مان تأثیر گذاشت. او گفت اکرم را در خواب دیده که به او می‌گفته «چرامی خواهید مرد زنده زنده خاک کنید.» همین حرف نشان از این می‌داد که اکرم راضی به خاک شدن قلبش که در حال تپیدن بود، نیست. برای همین تصمیم خود را گرفتیم و با اعلام رضایت، اعضای بدن اکرم را اهدا کردیم.

خداحفاظی‌بدی

ساعت ۸ صبح روز سه‌شنبه هشتم اردیبهشت‌ماه اکرم روی تخت بیمارستان برای همیشه با خانواده‌اش خداحافظی کرد. دخترانش و همسرش، پدر و مادرش او را در آغوش گرفتند و برای آخرین بار با او وداع کردند. این مادر مهربان به اتاق عمل رفت و دیگر بازنگشت. اما زنده‌مانده بود. قلبش باز هم می‌تپید و بعضی از اعضای بدنش مثل کلیه و کبدش در حال کار کردن بود. ولی در بدن چند بیمار دیگر، اکرم مرد تا به چند نفر زندگی دوباره ببخشد. صبح چهارم روز را برای همیشه به خاک سپردند اما تنها جسم بی‌جان‌ش را قلبش با او خاک نشد. مانده بود تا باز هم بتپد.

احمد زارعی شوهر این زن در مورد همسرش می‌گوید: «من و اکرم با هم دختر خاله و پسر خاله بودیم و از سال ۷۷ با هم ازدواج کرده بودیم. ما ۱۷سال در کنار هم زندگی کردیم. اکرم زن آرام و خوبی بود و همیشه برایم بهترین همسر و برای فرزندانمان بهترین مادر محسوب می‌شد. یک دختر ۱۳ساله و یک دختر ۴ساله هم داریم که دختر ۱۳ساله‌ام به تازگی نامزد کرده بود. اکرم با این که سن و سال خیلی زیادی نداشت اما صاحب داماد هم شده بود و خیلی از بابت‌این موضوع خوشحال بود. او آرزو داشت عروسی دخترش را ببیند اما این فرصت نصیبش نشد. اکرم آنقدر خوب بود که من و فرزندمان نمی‌دانیم چطور باید بدون او به زندگی‌مان ادامه دهیم.»

مواقت‌برای بخشش زندگی به چندبیمار

لحظات سختی بود. احمد، دو شوهر خاله‌اش باید تصمیم می‌گرفتند. تصمیمی که جانی دوساره به چند بیمار می‌بخشید اما خداحافظی همیشگی با اکرم را در پی داشت. آنها باید از اکرم خداحافظی می‌کردند اما صاحب بدنش را به چند بیمار نیازمند هدیه می‌کر دند. احمد زارعی در مورد تصمیمشان برای اهدای اعضای بدن اکرم می‌گوید: «وقتی فهمیدیم که اکرم به حالت کما رفته است، از شنیدن این خبر خیلی شوکه شدیم. ولی با هم امید داشتیم. ۴ روز گذشت و ما هر روز با دسته گل به دیدن اکرم که روی تخت افتاده بود می‌رفتیم. تا این که بالاخره روز چهارم د کتر از ما خواست که جلسه‌ای با همه اعضای خانواده در ترتیب دهیم. من و شوهر خاله‌ام و بعضی از اعضای فامیل به دیدن دکتر رفتیم و

شهروند | روی یکی از تخت‌های بخش آی‌سی‌یو بیمارستان هفت تیر شهری‌زن جوانی خوابیده بود که میان مرگ و زندگی دست و پنجه نرم می‌کرد. جانی در بدن نداشت اما قلبش می‌تپید. نفس می‌کشید آن هم با دستگاه. ۳۱سال زندگی کرده بود اما ۵روز بود که بی‌صدا و بی‌حرکت روی تخت خوابیده بود و تنها صدای نفس‌هایش از درون دستگاه‌های متصل به او از اتاقش شنیده می‌شد. خانواده‌اش پشت در اتاق منتظر یک معجزه بودند. اکرم زارعی ۳۱سال بیشتر نداشت که برای همیشه با زندگی خداحافظی کرد. یک تصادف تلخ و پایان یک زندگی تقریباً کوتاه سکناس پایانی زندگی اکرم وقتی که برای خرید از خانه بیرون رفت رقم خورد. همه چیز در عرض یک دقیقه نابود شد. ماجرای این تصادف به ساعت ۷شب‌روز جمعه پنجم اردیبهشت‌ماه برمی‌گردد. آن روز اکرم مثل هر روز وقتی پس از تهیه شام-برای خرید به بیرون از خانه شان در ۲۰متری نخلی شهرک غزالیه رفت، نمی‌دانست چه سرنوشتی در انتظارش است. در دست در لحظه‌ای که این زن جوان وارد خیابان شد یک موتورسوار با سرعت زیادی با وی تصادف کرد و آخرین لحظات زندگی اکرم را رقم زد. سپس از این تصادف بلافاصله زن جوان به بیمارستان منتقل شد. در همان لحظات نخست پزشکان بیمارستان اعلام کردند که این زن دچار خونریزی مغزی شده و باید به سرعت به اتاق عمل برود. اکرم به اتاق عمل رفت و دیگر بازنگشت. او با اینکه بعد از عمل نفس می‌کشید و قلبش می‌تپید اما جانی در بدن نداشت. همین نفس‌هایش با دستگاه باعث شده بود که خانواده‌اش مرگ او را باور نکنند.

یک صرافی مشهور، هدف سناریوی قاتل ناشناس

نقشه عجیب یک قاتل برای سرقت ۳۰هزار دلار

رقتم و دلارا را از آن‌جا تحویل گرفتم. ساعت ۳بود که به خانه مشتری رسیدم. از من درخواست کرد تا داخل خانه بروم تا همزمان با شمارش دلارا پول را احتیاط وارد واحد ۴در طبقه دوم آپارتمان شدند. سکوت بر خانه حکمفرما بود و مردی جوان همراه با یک دستگاه پوز در کنار مأموران کلانتری ایستاده بود. با آغاز تجسس‌های جنایی، کارآگاهان باصحنه هولناکی روبه‌رو شدند. مردی میانسال درحالی‌که یک سیم دور گردنش پیچیده شده بود روی تخت خواب افتاده بود. درحالی‌که فرضیه قتل به روش خفگی پیش روی تیم تحقیق قرار داشت، آثار شلیک گلوله پشت کتف مقتول نشان می‌داد او به احتمال زیاد ابتدا با شلیک اسلحه بهپوش شده و سپس توسط قاتل خفه شده است. یک موتورری صرافکی که شاهد این حادثه بود در رابطه با این جنایت به باز پرس پرونده گفت: «چند روز قبل از همین خانه چندین بار با صرافکی که در آن کاری‌کنم تماس گرفته شده بود. قیمت دلاری می‌پرسیدند تا این‌که امروز بعد از تماس با صرافکی در خواست ۳۰هزار دلار کردند. طبق روال کار ما دلارا را برای مشتری‌ای‌ه‌به در خانه‌باش‌که تهاش‌ان می‌بریم غیب در جریان قتل یک مرد میانسال و سرسقت دلارهای صرافکی قرار گرفتند. دقایقی بعد با اعلام این خبر به قاضی کشیک ویژه قتل، باز پرس «حسین‌پور» به همراه تیمی از کارآگاهان و

ورود پلیس جنایی پایتخت

ساعت ۴ بعد از ظهر مأموران کلانتری شهرک غرب در جریان قتل یک مرد میانسال و سرسقت دلارهای صرافکی قرار گرفتند. دقایقی بعد با اعلام این خبر به قاضی کشیک ویژه قتل، باز پرس «حسین‌پور» به همراه تیمی از کارآگاهان و

شهروند | پلیس جنایی تهران به دنبال قاتل مرموزی است که با سهل‌انگاری یک صراف مشهور سناریوی سرسرت ۳۰هزار دلار و قتل را به اجرا گذاشت. مشتری قبلی بعد از تحویل دلارا ناقابش را برداشت و همزمان با بر ملا شدن راز جنایتش، متواری شد.

صرافی معروف تهران وقتی پیک موتوری‌اش را برای تحویل دلار به در خانه مشتری‌اش فرستاد هرگز تصور نمی‌کرد جنایتی هولناک پشت در خانه مرموز رقم خورده است.

ساعت ۲ ظهر روز دوشنبه ۷ اردیبهشت‌ماه بود که مردی ناشناس با یک صرافکی در خیابان شرعی تهران تماس گرفت و درخواست ۳۰هزار دلار پول کرد. طبق روال کار صرافکی، پیک موتوری با دلارا هاو به همراه یک دستگاه پوز عازم آدرس خانه مشتری شان شد، موضوعی که او را درگیر سناریوی پیچیده یک قتل کرد.

یک ساعت بعد، پیک موتوری در مقابل خانه‌ای ۵ طبقه واقع در خیابان طاهر خانی بلوار فرحزادی توقف کرد. رنگ واحد طبقه دوم را فشار داد و برای تحویل دلارا به مشتری، وارد ساختمان شد. مرد جوانی در مقابل در خانه ایستاده بود و برای شمردن دلارا ها و پرداخت پول کارمند صرافکی را به داخل خانه‌اش دعوت کرد. روی میل نشست، دلارا را

خارج از مرز

آمار قربانیان هر روز افزایش پیدا می‌کند

تلفات زلزله نیال به ۴۴۰۰ تن رسید



با گذشت بیش از ۵۰ساعت از زلزله مرگبار، همچنان اجساد قربانیان از میان آوار بیرون کشیده می‌شود و تمامی نیروهای ارتش و پلیس به عملیات امداد جست‌وجوی قربانیان پیوسته‌اند.

نیروهای امداد و نجات در نیال با پاکسازی مناطق زلزله‌زدہ از آوار و انجام چندین عمل جراحی در مراکز درمانی موفق در تلاش برای کاستن از شمار تلفات زلزله مرگبار ۷،۹ ریشتری در این کشور هستند.

به‌رغم این تلاش‌ها عواملسی چون قطعی برق در کاماندو، کمبود موادغذایی و مشکل دسترسی به تمامی مناطق زلزله‌زده عملیات امداد و نجات را با سختی روبه‌رو کرده است. طبق آخرین آمار منتشرشده از میزان تلفات این حادثه طبیعی، دست کم ۴۴۰۰ تن در پی وقوع زلزله جان خود را از دست داده‌اند و همچنین بیش از ۸هزار مجروح تحت درمان قرار گرفته‌اند. به‌رغم اقدامات بین‌المللی برای رساندن کمک به حادثه‌دیدگان این زمین‌لرزه، بیمارستان‌ها هنوز برای خدمات‌رسانی به‌زامان‌دگان با کمبود کمک‌ها مواجه هستند. شبکه خبری سی‌ان‌ان در گزارشی اعلام کرد: در سراسر مناطق زلزله‌زده هزاران نفر همچنان در خیابان‌ها به سر می‌برند و این ترس وجود دارد که ساختمان‌های آسیب‌دیده به دلیل وقوع پس‌لرزه‌ها تخریب شوند. میزان خسارات در کاماندو پایتخت نیال فاجعه‌بار است؛ تا معبد آنها آوار باقی مانده، مردم در میان بقایای خانه‌هایشان حبس شده‌اند و بیمارستان‌ها با کمبود ذخایر دارویی روبه‌رو هستند. سازمان ملل متحد نیز در گزارشی اعلام کرد: زندگی هشت میلیون انسان بر اثر وقوع این زلزله تهدید مختل شده و حدود ۱،۴ میلیون نفر به موادغذایی نیاز دارند. همچنین این زمین‌لرزه مهیب که در ۸۱سال گذشته جزو مرگبارترین زلزله‌های نیال بوده، موجب سقوط بهمن در اورست شده و ۱۸ قربانی برجای گذاشته است. بیش از ۲۰۰ نفر در اورست گرفتار شده بودند اما به کمک بالگردهای امداد و نجات به سلامت بازگشتند و حدود ۶۰تن از آنها روز دوشنبه نجات‌افتند.

مکت

علت حادثه اتوبوس محور فیروز کوه اعلام شد

عدم توانایی راننده اسکانیا در کنترل وسیله نقلیه و نقص‌های فنی، راه و ساختاری از جمله علل این حادثه مرگبار هستند. اطاریعه شماره ۲ پلیس راهنمایی و رانندگی ناچا در خصوص علت تصادف اتوبوس اسکانیا در محور فیروز کوه در تاریخ اول اردیبهشت ۹۴ به شرح ذیل صادر شد: به‌اثر از تأسف مجدد از این حادثه مرگبار، در ادامه بررسی‌ها و پس از اعزام تیم‌های کارشناسی پلیس راهور ناجا به محل حادثه و انجام تحقیقات میدانی و فنی، علت تصادف با توجه به ترکیب و تقارن چند خطا در بروز و شدت حادثه که موجب قوت و مجروح شدن تعدادی از هموطنان عزیز شد به شرح زیر است:

-عدم توانایی راننده در کنترل وسیله نقلیه به دلیل سرعت غیرمجاز در شیب و پیچ‌جاده -نقص راه به علت ضعف حفاظ میانی در جلویی از عبور وسیله نقلیه به لاین مقابل - نقص فنی مستمر سامانه کاهنده سرعت(ریتاردر) -نقص ساختاری اتوبوس به علت عدم استحکام مناسب سقف و ستون آن.

فرار متهم از بازداشتگاه برای خودکشی

یک متهم فروش موادمخدر که از بازداشتگاه فرار کرده بود و قصد خودکشی داشت با حضور به موقع مأموران از مرگ نجات یافت.

میکائیل وطن‌خواه، دادستان عمومی و انقلاب سراب از نجات جان یک فراری در سراب خبر داد و گفت: یک متهم فروش موادمخدر که توسط مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر دستگیر شده بود، بعد از فرار از بازداشتگاه قصد داشت در یکی از ساختمان‌های نیمه‌کاره اقدام به خودکشی کند که خوشبختانه پلیس توانست با حضور به موقع وی را از مرگ حتمی نجات دهد.

کشف بادمجان‌هایی با طعم تریاک در فرودگاه

۱۲کیلوگرم تریاک که در ظرف پلاستیکی حاوی بادمجان جاسازی شده بود، در فرودگاه امام (ره) کشف شد. سرهنگ «حسن مهری» فرمانده پلیس فرودگاه‌های کشور در مورد این پرونده گفت: در راستای مبارزه‌جدی با قاچاق موادمخدر از مرز هوایی، مأموران پلیس فرودگاه حضرت امام (ره) هنگام چک و کنترل مسافران خروجی به مقصد «هوسلورف» - آلمان - به یکی از مسافران این خط پروازی مظنون شدند. وی افزود: در بازرسی از بار همراه متهم، ۱۱کیلو ۶۵۰ گرم تریاک که به طرز ماهرانه‌ای در داخل چمدان و به صورت بسته‌بندی در ظروف پلاستیکی حاوی بادمجان جاسازی شده بود، کشف شد.